

ParsBook.Org

پارس بوک، بزرگترین کتابخانه الکترونیکی فارسی زبان

ParsBook.Org



The Best Persian Book library

Ovija

“ویجا”

متن زیر در تاریخ اردیبهشت ۱۳۸۴
توسط “مهدی اچ ای” در دانشگاه شیراز ارائه گردیده.

به نام بخشنده‌ی مهربان

مقدمه

به طور کلی برای ارتباط برقرار کردن با ارواح، نیاز به یک شخص مدیوم هست. واژه‌ی مدیوم (medium) در اصل به معنی میانجی و واسطه هست و در این مورد خاص به شخصی می‌گن که انرژی‌ش جوهریه که می‌تونه واسطه‌ای باشه بین یک روح و دنیای مادی. مدیوم‌ها انواع مختلفی دارن، یعنی هر کدوم بنا به نوع و مقدار انرژی که دارن، طرز خاصی برای ارتباط برقرار کردن با ارواح دارن. به طور کلی شخص مدیوم با تمرکز، خودش رُ به خلسه می‌بره و بعد از اون، کنترل (قسمتی) از بدنش رُ به روح می‌ده.. مثلاً یک حالت ساده‌ش اینه که شخص در وضعیت راحتی قرار بگیره، یه خودکار در دستش بگیره و وقتی به خلسه رفت، روح کنترل بازوی مدیوم رُ به دست می‌گیره و حرف‌هاش رُ می‌نویسه. (در این حالت دست خطِ متن نوشته شده، معمولاً دست خط روح خواهد بود) یا امکان داره روح از گلوی فرد استفاده کنه که در این حالت هم صدای شنیده شده، تا حدودی (بسته به خصوصیات فیزیکی مدیوم) شبیه صدای روح در آخرین زندگی زمینی‌ش خواهد بود. یا شاید هم روح از چشم یا ذهن فرد مدیوم استفاده کنه؛ در این حالت شخص مدیوم بعد از برگشتن به حالت عادی، قادره تا چیزهایی رُ که دیده یا درک کرده تعریف کنه.

نهایت این کار، تولید اکتوپلاسم هست. اکتوپلاسم لایه‌ی خارجی سلول و همین طور اسمی هست که در دنیای احضار ارواح به جسمی دادن که از بدن واسطه بیرون میاد و شکلی مادی به خودش می‌گیره. اکتوپلاسم می‌تونه از گوش، دهان و یا حتا ناف شخص تولید بشه. جنسش مثل موم عسل و شاید نرم‌تر هست. حجمش (بستگی به فرد داره) معمولاً در حد حجم دو لیوان معمولی هست و می‌تونه نقشی از صورت یا فرمی از بدن روح رُ به خودش بگیره. نزدیک‌ترین مثال در دنیای مادی اینه که فرض کنیم کسی پشت پرده‌ای سفید رنگ، قایم شده و ادا در بپاره.. فرم بدنش شباهت داره به شکلی که رو اکتوپلاسم ظاهر میشه.

نکته

اولاً مدیوم، مدیوم به دنیا میاد.. این یه توانایی ذاتی هست که بعضی‌ها دارن. اصلاً اکتسابی محض نیست و فقط به شرطی که کسی این قدرت رُ داشته باشه، میشه رشدش داد یا کنترل و تقویتش کرد.

دوماً تعداد این افراد خیلی کمه.. احتمالاً زیاد شنیدین که فلانی روح احضار می‌کنه. معمولاً اینجور افراد فقط دروغگوهای ماهری هستند و البته احتمالاً روانشناسی‌شون خوبه و احساس‌های قوی دارن. مثلاً میشه این‌جوری مثال زد که از هر صد هزار نفر، شاید پنجاه نفر احساس‌های قوی دارن و حتا شاید بتونن چیزهایی از گذشته رُ حس کنن، اما کمتر از یک نفر شاید مدیوم باشه.

سوالی که می‌مونه اینه که آیا میشه یه آدم عادی با دنیای ارواح ارتباط برقرار کنه؟
جواب هم مثبت هست هم منفی.

اول باید توجه بشه دنیای ارواح هیچ چیز خاصی نداره که برای آدم‌ها جذاب باشه. اما توانایی ارتباط با دنیای غیرفانی که در اون نه زمان هست نه مکان، به بیان دیگه به معنی دسترسی به گذشته و آینده و حتا پی بردن به اسراری هست که شاید هیچ انسانی با امکانات زمینی بهشون دسترسی نداشته باشه. پس ادامه‌ی مطلب رُ با توجه به این گفته پی می‌گیریم که دسترسی به دنیای ارواح، هدف نهایی نیست. اما میشه ازش به عنوان وسیله‌ای برای درک غیرممکن‌ها استفاده کرد.

برای این که یک فرد عادی -من یا شما- بخواد با دنیای ارواح تماس بگیره، ساده‌ترین کار صحبت کردنه.. ارواح صدای ما رُ می‌شنون؛ البته نه همیشه. به شرطی که باشن.. در تاریخ اومده که «قبر» خانه‌ی شخصی هر روح هست و همیشه ارواح در اونجا حاضر هستن. برای این که اونا با ما ارتباط برقرار کنن هم ساده‌ترین کار خواب دیدنه. البته مسلمه که اولاً اونا باید بخوان که بیان به خوابمون. دوماً ما یادمون بمونه! و سوماً هر خوابی، منبعش حقایق دنیای دیگه نیست. ساده‌ترین راه برای ارتباط دو طرفه (مثلاً صحبت کردن) استفاده از وسایلی هست که قصد دارم معرفی کنم.

نکته

استفاده از این ابزارها قرن هاست در شرق و غرب رایجه و اگرچه مشهور شدنش شاید به صد سال پیش برگرده، اما نزدیک پنجاه ساله که -بیشتر در غرب- استفاده‌ش همه‌گیر شده، به صورت انبوه وسایلش تولید شده و مردم از هر فروشگاه‌ی و یا اسباب‌بازی‌فروشی می‌تونن این وسایل رُ تهیه و استفاده کنن.

نکته‌ی مهم اینجاست که بعد از این همه سال استفاده و تحقیق و بررسی، اگرچه جواب قطعی برای هیچ سوالی به دست نیومده، اما هم‌چنان بیشتر از شصت درصد از مردم و متخصصین، این وسیله‌ها رُ فقط یک پل می‌دونن بین انسان‌ها و ضمیر ناخودآگاه‌شون. بیشتر از شصت درصد آمار تقریباً خوبی هست برای این که کاملاً به شما ثابت کنه روحی وجود نداره! بعداً بیشتر در این مورد تذکر میدم، فقط نکته‌ی مهم اینه که بدونین اعتماد کامل به این وسایل و تکیه بر اون‌ها، از احمقانه‌ترین کارهایی هست که یک فرد می‌تونه انجام بده.

در این نوشته دو روش توضیح داده میشه؛ **table tipping** و **Ouija Board**.

محبوبیت این دو روش بیشتر از همه به جنبه‌ی کاربردی و سهولت در استفاده از اون‌ها برمی‌گرده و میشه گفت برای صحبت کردن با ارواح، حدود هشتاد درصد از **Ouija Board** و تنها پنج درصد از **table tipping** استفاده می‌کنن. (پانزده درصد هم راه‌های دیگه) این نوشته هم دقیقاً بر همین اساس به توضیح روش‌های گفته شده می‌پردازه. سعی می‌کنم پیش زمینه‌ای از **table tipping** و توضیح کامل و جزئیات **Ouija Board** رُ بنویسم. در ضمن دلیل اصلی استفاده‌ی همه‌گیر از ویجا، فقط سادگی کاره و این که هیچ نیازی به یک مدیوم یا یه آدم متخصص نیست.

نکته

در راه جستجو برای تماس با دنیای دیگه، حتماً با عبارت «**Ouija Board**» رو به رو می‌شین. **Ouija** یه وسیله ست که با اون ارواح، حرف‌های خودشون رُ مکتوب می‌کنن. واژه‌ی **Ouija Board** در ادامه‌ی نوشته، بیشتر به صورت **Ouija** یا (صفحه/تخته‌ی) ویجا نوشته شده. اما در بعضی جاها از صفحات سخنگو (**Talking Board**) هم اسم برده شده. دلیل اصلی کار اینه که این روش (استفاده از صفحات سخنگو)، اسم مشخص خاصی نداره و در طول دو قرن گذشته، بنا به مارک شرکت سازنده، به اسم‌های مختلفی مثل **Kennard**، **Fuld**، **Haskelite** و یا **Lee** شناخته شده. اگرچه امروزه به اسم ویجا (**Ouija**) در همه جای دنیا شناخته شده هست. و صفحه‌ی سخنگو (گویا) یه اسم کلیه برای این وسیله.

نکته

برای انجام هر کدام از این کارها، شما باشد انرژی داشته باشید. همه‌ی انسان‌ها - کم و بیش - انرژی دارند، اما مقدار این انرژی در سرعت و ارتباط بهتر تأثیر می‌دارد. اگرچه بر اساس برخی نظریه‌ها، نوع انرژی (مثبت/منفی) هم در نوع ارتباط تأثیر می‌دارد. اما عملاً سهولت و سرعت در تماس، بیشتر از همه معلول مقدار انرژی هست. و شاید به همین دلیل هست که در همه‌ی روش‌ها، با یک گروه افراد روبه‌رو هستیم نه یک نفر. هیچ یک از روش‌ها به صورت انفرادی نیست.

هشدار

متن زیر به عنوان یک تحقیق هست نه کتابچه‌ی راهنما و هدفش اصلاً آموزش نیست. در عین حال ذکر این نکته شاید مفید باشد که در بین تقریباً ده سایت اینترنتی که در این رابطه از قبل مطالعه و بررسی شد، فقط دو سایت بودند که در استفاده از Ouija از کلمه‌ی sitter استفاده کرده بودند و باقی سایت‌ها فرم جمع کلمه (sitters) رُ به کار برده بودن. کمتر در این مورد حساسیت خاصی نشون داده شده بود، اما در سایتی هشدار داده شده بود که به هیچ عنوان نباید استفاده‌کننده‌ها کمتر از دو نفر باشند. دلیلش رُ نمی‌دونم اما اگر مصرّ به تجربه‌ی ویجا بودین، بد نیست این هشدار رُ جدی بگیرین و به هیچ عنوان صفحه‌ی ویجا رُ وقتی تنها هستین یا به تنهایی استفاده نکنین.

نکته

در انگلیسی واژه‌های بسیاری برای «روح» وجود دارد که دو تا از پرکاربردترین‌هاش ghost و spirit هستن. معمولاً رسم بر این هست که روح انسان رُ بعد از مرگ spirit میدونن؛ روح مقدسی که به برزخ بازمی‌گردد و احتمالاً قراره شما با این وسایل باهاش ارتباط برقرار کنین. ghost روح بد، یا روح شیطانی هست. روحی که به دلیل انجام کارهای ناشایست در دنیا، بعد از مرگ به مرحله‌ی منفی پسرفت می‌کنه و ghost میشه. و soul هم روان متعالی انسان هست؛ یا روح مرقی. ارتباط با ghost با هیچ بهانه‌ای، اصلاً پیشنهاد نمیشه و مسلماً کار درستی نیست. ساده‌ترین دلیلش اینه که ghost اگه در فکر انتقام نباشه، در بهترین حالت، به فکر بهره‌برداری و استفاده از شما خواهد بود. در مورد انتقام هم گفته شده، در خیلی از موارد، ارواح

منفی با انتشار انرژی‌شون و از بین بردن دوستی و موفقیت، به نوعی ارضا میشن. و در این میان هیچ چیز برای یک ghost ارزشی نداره، حتا زندگی شما! مثال ساده‌ش اینه که ghostها آدم‌های بد، خطرناک و تبهکاری هستن که باید ازشون دوری کنین. spiritها آدم‌های عادی اجتماع هستن، خوب یا بد.. مثل ما.

در این متن عموماً برای بیان کلی ماجرا (هدف ارتباط برقرار کردن) از واژه‌ی spirit استفاده شده و در نهایت، ضمن توضیح دقیق عمل، کلمه‌ی ghost به کار رفته. توجه به این نکته هم بد نیست که ghost به صورت کلی می‌تونه نمایانگر همون «روح» (چه خوب چه بد) هم باشه. در متن زیر، در بیشتر موارد روح به صورت کلی به کار رفته، در مواردی که منظور «روح خوب» یا «روح بد» بوده، به طریقی توضیح داده شده.

نکته

همون طور که بعدها خواهیم دید، در استفاده از ویجا لازمه افراد، انگشتشون رو روی planchette (تخته‌ی کوچک) یا pointer (نشانه‌گر) بذارن. اگرچه ساده‌ترین حالت «نشانه‌گر» یک سکه‌ی معمولی می‌تونه باشه، اما در اصل، قطعه‌ی چوبی هست که به شکل برگ (یا قلب کشیده) ساخته میشه و در یک جهت، باریک شده (مثل لبه‌ی تنگ) که اون لبه، قسمت اشاره‌گر هست و در طول استفاده از صفحه، به حرف‌ها اشاره خواهد کرد. این در انواع تجاری ویجا هست که در فروشگاه‌ها یا اسباب‌بازی‌فروشی‌ها پیدا میشه. در نوع دست‌ساز آن، به دلیل سهولت از یک تکه چوب یا فلز استفاده میشه که معمول‌ترینش یک «سکه» هست. البته در نوع دست‌ساز، در طرز نوشتن صفحه هم تغییراتی وجود داره که در جای خودش گفته خواهد شد. به همین روال در طول متن هر سه عبارت نشانه‌گر، planchette و سکه برای این منظور به کار رفته است.

روش اول table tipping

در دهه‌ی ۱۹۰۰، بعد از این که مدیوم‌ها اعلام کردن می‌تونن با ارواح تماس برقرار کنن، مردم عادی به هیجان اومدن و دست به تجربه‌هایی زیادی زدن. اکثریت این افراد که نه مدیوم بودن و نه وسیله‌ی خاصی داشتن، گروه‌های خانگی (home circles) رو برای خودشون تشکیل دادن. یک گروه خانگی، گروه ساده‌ای از دوستان و آشنایان بود که دور هم جمع می‌شدن و

سعی می‌کردن با دنیای ارواح ارتباط برقرار کنند. تعداد زیادی از این گروه‌های خانگی باور داشتن که می‌تونن با ارواح تماس بگیرن، اگرچه تعدادی هم شک داشتن ..

چرا که به زودی تعداد زیادی به این نتیجه رسیدن که چیزی که باعث کج شدن میز (tables to tip) یا شنیدن صداهای ضربات تند اسرارآمیز میشه، کار ارواح نیست، بلکه نتیجه‌ی کار گروهی مغز انسان‌ها هست. انرژی حاصل از جمع شدن تعدادی افراد دور هم برای رسیدن به هدفی واحد، می‌تونه نتیجه‌ی اعجاب انگیزی رُ سبب بشه.

تاریخچه‌ی «table tipping» به کشفیات دو دختر جوان به نام های کیت (Kate) و مگا فاکس (Maggie Fox) برمی‌گردد، کسانی که راه تازه‌ای رُ برای ارتباط با دنیای ارواح پایه‌گذاری کردند. اونا سری‌ای از انواع صداهای ضربه (انواع صدای تق) رُ به کار می‌بردن که به معنی «بله» و «خیر» بود. و در نهایت کدهایی رُ تعیین کردن تا به عنوان حروف الفبا استفاده بشه. بدین طریق اونا می‌تونستن از حرف‌های بیشتری در کلمات‌شون استفاده کنن و پیام‌هایی رُ با جزئیات بیشتر بگیرن. (مثل الفبای مورس که برای ارسال فکس ازش استفاده میشد. مثلاً دو ضربه ی ممتد بیانگر حرف «الف» و سه ضربه ی ممتد، حرف «ب» هست.)

«کج کردن میز» در اوایل قرن گذشته به عنوان یه بازی همه‌گیر مشهور شده بود. تکنیک پایه‌ی این کار خیلی ساده‌ست: گروهی از افراد دور یک میز می‌شینن درحالی که هر کدوم کف دستشون رُ (به صورت باز) به سطح رویی میز تکیه میدن. اگه افراد به اندازه‌ی کافی صبور باشن و برای نشست‌های متوالی آمادگی داشته باشن، معمولاً به تجربه‌های عجیبی دست پیدا می‌کنن. معمولاً این اتفاق‌های عجیب این جوری شروع میشه که اول افراد با صداهای تند و سریع تق تق در (مثل در زدن) از جا میپرن و همین طور که این تجربه ادامه پیدا می‌کنه، میز تقریباً ارتعاش پیدا می‌کنه. هر چه تعداد افراد بیشتر باشه، این قدرت افزایش پیدا می‌کنه و نتیجه‌ی کار هم در همین راستا قوی‌تر میشه. (به بیان دیگه سرعت و قدرت نتیجه، به انرژی افراد بستگی داره که با افزایش افراد، خود به خود انرژی متمرکز هم افزایش پیدا می‌کنه.)

میشه از این کار به صورت هوشمند هم استفاده کرد، همون طور که گروه‌های خانگی در اون دوران انجام دادن.. همین طور که این کار ادامه پیدا می‌کنه، میشه با پرسیدن سوال، در جواب صدای در زدن (تق تق) گرفت یا حتا میز کج بشه. اگه خودتون این کار رُ انجام بدین به راحتی پی می‌برین چرا در دوران (Spiritualism ؛ روح‌گرایی همراه با گرایش به احضار روح)

که مصادف با اوایل قرن ۱۹م بود، این صدا رُ از ارواح می‌دونستن. به خاطر بیارین که قدرت فکر انسان چیز فوق العاده‌ای هست، خصوصاً زمانی که روی موضوع «افزایش انرژی» همه تمرکز کنن. و این انرژی به وجود اومده می‌تونه اثرات جالب توجهی داشته باشه. اگرچه نویسندگی این متون خودش هیچ وقت تجربه‌ی کارهای این چنینی رُ نداشته، اما در اسناد اومده که برخی گروه‌های خانگی حتا اظهار کردن که آن‌چنان زیر سلطه‌ی انرژی تولید شده قرار گرفتن که میز به اطراف می‌چرخیده با چهار نفر اعضا در حالت نشسته روی میز!

می‌خواین تجربه کنین خودتون؟

یک- برای شروع، اول از همه به یک گروه احتیاج دارین. بهترین تعداد معمولاً برابر تعدادی هست که شما برای بررسی و داشتن یه بحث احتیاج دارین: چهار، پنج نفر. مطمئن باشین که تمام اعضا برای همه‌ی جلسه‌ها بتونن حاضر باشن و همه‌ی اعضا مایل هستن این تجربه رُ ادامه بدن؛ برای مدتی، یا حداقل تا زمانی که به نتیجه‌ی دلخواه‌تون برسین.

دو- به یه مکان احتیاج دارین، مثلاً محل زندگی یکی از اعضا.. باید جایی باشه که همه بتونن احساس راحتی کنن. همچنین به یک میز احتیاج دارین برای این کار. پیشنهاد می‌کنم یه سری به عتیقه فروشی بزنین و دنبال یه میز کوچک چوبی باشین، جوری باید باشه که تمام اعضا بتونن به راحتی دورش بشینن. و البته خیلی بزرگ یا سنگین نباشه. اگه می‌خواین زودتر به نتیجه برسین، استفاده از میز غول پیکر نهارخوری که از چوب بلوط ساخته شده پیشنهاد نمیشه. در زیر یک نمونه از این کار رُ می‌تونین ببینین:



سه- نورپردازی اتاق بخش مهمی از کار رُ تشکیل می‌دهد. «کج کردن میز» به نظر می‌رسد در زیر نور کم، یا حتی تاریکی بهتر جواب می‌دهد.

چهار- وقتی نشستین تا به این تجربه دست بزنین، مطمئن بشین که محیط راحت و معمولی‌ای رُ درست کردین. مطمئن بشین که معمولی و نرمال صحبت می‌کنین، جُک بگین و محیط عادی‌ای رُ پدید بیارین. اگه نسبت به این کار تنش داشته باشین، اصلاً به نتیجه نمی‌رسین. خیلی راحت بشینین و پرهیز کنین از این که بخواین تمرکز کنین تا میز رُ به حرکت وادارین.

پنج- مطمئن بشین که در تمام مدت کف دست همه‌ی اعضا روی میز باشه. اگه این تجربه به عمل پیونده، امکان داره هیجان‌زده بشن همه، اما هیچ کس نباید دستش رُ از رو میز برداره.

شش- از اونجایی که در نشست‌های اولیه امکان داره هیچ اتفاقی نیفته، باید با پیشرفت زمان، علاقه بیشتری به کار داده بشه. فقط مطمئن بشین که اعضای گروه به صورت مرتب، یک یا دو بار در هفته ملاقات کنن اگه ممکنه. برای موفق شدن لازمه گروه وقتی رُ جدا برای این کار بذاره و از این که جلسه‌های متوالی بدون هیچ نتیجه‌ای بشینه، راضی باشه.

هفت- مطمئن بشین که ملاقات‌ها خالی از هر نوع تعلیقی باشه و هر کاری لازمه برای کسب این اطمینان انجام بدین. تلویزیون و رادیو رُ خاموش کنین و تلفن رُ از پریز بکشین، اگه فکر می‌کنین لازمه.

هشت- قلب در ایجاد پدیده‌ها، می‌تونن به وقوع پدیده‌های واقعی منجر بشن. در یک تجربه، شخص ادعا می‌کرد می‌تونه صداها را واقعی رُ مجبور کنه بعد از صداها را تقلبی اتفاق بیفتن. هیچ وقت کسی متوجه نمیشد در حالی که همه در تاریکی نشسته بودن. توضیحِ نظرِ این شخص که چرا این اتفاق افتاده، اینه که مردم ذاتاً این چیزا رُ قبول ندارن. شاید این عقیده به ظاهر از نظر پوشیده باشه اما همیشه هست. قلب در این پدیده (در آوردن صدای تقلبی) مشکل رُ رد می‌کنه و به ذهن، این اجازه رُ می‌ده تا کار کنه. به طور خلاصه وقتی مردم باور کنن که صدای تقلبی، واقعی هست، اون وقت نتیجه واقعاً اتفاق میوفته. شاید چون دیگه ایسادی در برابر فعالیت واقعی در هم شکسته میشه. این چیزیه که می‌تونین در تجربه‌ی

خودتون بهش توجه کنین. البته از اونجایی که هیچ کس معمولاً جرأت نداره طی کار تقلب کنه، این فقط یه تجربه بود و برای این بیان نشد تا شما امتحان‌ش کنین و بخواین در حین تماس با دنیای ارواح، تقلب کنین.

دانشمندی که میز رُ برگردوند؛

مایکل فردی (Michael Faraday) یکی از نخبگان قرن ۱۹ بود. به عنوان یک شیمیدان و فیزیکدان، کمک کرد تا نیروی برق از یک کنجکاوی به یک منبع انرژی واقعی تبدیل بشه. وقتی دانشمندان دیگه در مورد «table tipping» پیشنهادشون این بود که یه نیروی الکتریکی یا مغناطیسی مرموز باعثش میشه، فردی مخالفت کرد و استدلال کرد که نیروی غیرعمدی و ناخودآگاه انقباض ماهرانه‌ی ماهیچه علت این هست که میز تکنون بخوره یا کج بشه.



برای اثبات حرفش، میزی رُ ساخت که دو تا سطح رویی داشت که با لایه ای از ball bearings (توپ های سختی که در شیارهای سطح دو حلقه‌ی متحدالمرکز قرار دارند و یکی‌شون بر اساس نوسانات و چرخش‌های میله‌ای نصب شده) و نوار لاستیکی محکمی از هم جدا شده بود. وقتی افراد با این دستگاه کار می‌کردند، سطح رویی که بالاتر بود اول حرکت می‌کرد و نشون میداد که این انگشت‌ها هستن که میز رُ حرکت میدن و نه هیچ عامل خارجی دیگه‌ای. وقتی افراد حقیقت این آزمایش رُ فهمیدم، حرکت میز متوقف شد. ظاهراً زمانی که ذهن هوشیار، نیروی عامل حرکت رُ شناخت، رمز و راز ماجرا از بین رفت.

از نظر فردی و دیگران، مدرک، بی چون و چرا بود و این آزمایش موجب کاهش محبوبیت «table tipping» در اون زمان شد. خیلی از کسانی که باور داشتن، یافته‌های فردی رُ به تمسخر گرفتن، و به هر حال ادعا می‌کردند که میز نه تنها کج میشه، بلکه به هوا بلند میشه (و در هوا) تاخت و تاز می‌کنه - رفتاری که کاملاً از فعالیت انگشتان و افکار واهی جداست! لازم به گفتن نیست که این معما همچنان برای اکثریت (بی جواب) باقی مونده و دانشمندان و روح‌شناسان بار دیگر با این متد به مخالفت برخاستند.

توضیح

در هر دو روش، یک شک بزرگ همیشه بوده و هست که آیا واقعاً ما با دنیای ارواح در تماسیم یا این فقط ضمیر ناخودآگاه یا شاید ابرآگاه ماست که داره ما رُ فریب میده؟ بعد از توضیح روش Ouija Board، به پاسخ کامل سوالات مربوطه می‌پردازم. فقط ذکر این نکته لازمه که اولاً چون مطالب خلاصه‌ی ترجمه‌ی نوشته‌های مختلفی هست و دوماً چون واقعاً هیچ پاسخ قاطعی وجود نداره، در بین توضیحات، جایی فرض بر صدق و جای دیگه بر کذب مطلب قرار داده شده. و هیچ کدوم به معنی رد یا تأییدش نیست.

روش دوم Ouija Board

«table tilting» و استفاده از صدای «تق» برای ارتباط با ارواح، روشی بود که به سرعت در بین مردم رایج شد، چون این روش کاملاً در دسترس همه‌ی مردم بود و برای این کار احتیاجی به یک مدیوم ماهر نبود و هر فرد معمولی می‌تونست با ارواح ارتباط برقرار کنه. و این کار آغازی بود تا افراد عادی بتونن با مهارت‌های خودشون، به آزمایش‌هایی دست بزنن که تا قبل از اون فقط مدیوم‌ها انجام می‌دادن. در نتیجه روش خسته‌کننده و وقت‌گیر «table tilting» جایگزین روش جدیدی شد به اسم «automatic writing». اگرچه این روش بیشتر مختص مدیوم‌ها بود، خیلی زود به عنوان یه راه خوب برای دستیابی به دنیای ارواح شناخته شد.

«نوشته‌های خودکار»، بدین صورت تعریف میشه که؛ نوشتن‌هایی اتفاق میوفته، در حالی که مدیوم تحت کنترل ارواح هست. اعتقاد بر این بود که ارواح، دستِ شخصِ مدیوم رُ راهنمایی می‌کنن و پیغامی رُ برای افراد حاضر می‌نویسن. در بیشتر مواقع، اگه از مواردی که کلاهبرداری محض بودن چشم‌پوشی کنیم، در واقع «automatic writing» شامل مواردی بود که در ذهنِ ناخودآگاه شخصِ مدیوم گردآوری میشد و سپس به عنوان پیامی از فرد مُرده، به تحریر در میومد. اگر چه این روش در مواردی جواب می‌داد، اما خیلی زود روشی کندتر جایگزین شد که خود مدیوم‌ها ادعا می‌کردن بدین طریق قادرن پیغام‌های پیچیده‌تری رُ از دنیای دیگه دریافت کنن.

بدیهیه که خیلی از سوال‌ها در مورد «خودکار بودن» روش نوشته‌های خودکار بدون جواب باقی موند، اگرچه در موارد نادری، پیغام رسیده به طرز غریبی دقیق و کامل بود.

تاریخچه‌ی Ouija Board

در حالی که «نوشته‌های خودکار» توسط مدیوم‌ها با استقبال مواجه شده بود، کسانی که حس کنجکاوی‌شون رُ به وسیله‌ی گروه‌های خانگی (home circles) و با استفاده از روش table tipping راضی کرده بودن، دنبال راهی بودن تا بشه به صورت خیلی موثرتر با اون دنیا ارتباط برقرار کنن (تا صدای ضربات میز).

بر اساس حرف‌هایی که به ما رسیده، در سال ۱۸۵۳، یک روح‌شناس فرانسوی به نام M. Planchette (شاید ذکر این نکته شکِ بیشتری در صحتِ این «داستان» ایجاد کنه که واژه‌ی planchette در زبان فرانسه به معنی «تخته‌ی کوچک» هست) وسیله‌ای رُ اختراع کرد که می‌تونست خیلی بیشتر از «ضربات میز» کار انجام بده. در واقع «planchette» یک میز کوچک به شکل قلب بود که مدادی به پایه‌ش متصل شده بود. کسانی که از این دستگاه استفاده کردن، مدعی بودن که این میز توسط نیروی ارواح اداره میشه و ارواح قادرن مطالبی رُ از دنیای بالا بنویسن. این وسیله به ندرت توسط مدیوم‌ها مورد استفاده قرار گرفت و همین طور در بین عموم هم نتونست به صورت گسترده جایی داشته باشه.

به هر حال، بعد از مدت زمان کوتاهی، اختراع دیگه‌ای انجام شد که می‌تونست توسط هر فردی مورد استفاده قرار بگیره. هیچ تجربه‌ای -از قبل- لازم نبود و حتا به مهارت روحی ویژه‌ای هم احتیاج نداشت. این وسیله‌ی جدید می‌تونست انقلابی در حرکت‌های روح‌شناسانه باشه و اثری رُ داشته باشه که هم‌چنان امروز هم منعکس میشه؛ Ouija board متولد شد!

بعد از این که «planchette» به آمریکا رسید، یک تابوت‌ساز از اهالی Maryland به اسم E.C. Reiche، روش جدیدی رُ برای ارتباط با مرده‌ها اختراع کرد. اون یه سکه‌ی لب برگشته‌ی چوبی رُ درست کرد و حرف‌هایی از الفبا که در دو سطر -که در وسط صفحه همدیگه رُ قطع می‌کردن- مرتب شده بودن، روی صفحه‌ای نوشت. زیر حروف الفبا، اعداد از یک تا ده رُ قرار داد و دو کلمه‌ی «بله» و «خیر» رُ در دو گوشه‌ی پایینی صفحه نوشت. در اصل اون، از همون دستگاه «planchette» استفاده کرده بود، منتها به جای مداد، سکه‌ی چوبی قرار داده بود. بدین ترتیب planchette برای حرکتش از این طرف صفحه به اون طرف، آزاد بود.

اعتقاد عموم بر اینه که Reiche اسم صفحه رُ «Ouija» گذاشته چون این کلمه نشانگر واژه‌های فرانسوی و آلمانی کلمه‌ی «بله» هست (oui و ja). اما اصل قضیه این نیست. اون، صفحه رُ Ouija نام‌گذاری کرد؛ چون اعتقاد داشت Ouija به مصری یعنی «خوش شانس» (luck). البته درواقع این‌جوری هم نیست (واژه به این معنی نیست) اما از زمانی که اون ادعا کرد این کلمه رُ از روحی به وسیله‌ی این صفحه گرفته، این اسم روش موند.

اما Reiche بیشتر به روح‌شناسی علاقه داشت تا پول درآوردن، واسه همین این اختراع رُ به دوستش Charles Kennard فروخت. کسی که شرکت بزرگ Kennard Novelty رُ با سرمایه‌ی قرضی تأسیس و شروع به تولید اولین Ouija boards تجاری در حدود سال ۱۸۸۶ کرد. اولین حق امتیاز برای «صفحه‌های سخنگو» (talking board) در ۲۸ May سال ۱۸۹۰ برای Charles Kennard و William H. A. Maupin به ثبت رسید.

خیلی زود بعد از تأسیس شرکت، مدیر فروشگاه، William Fuld، تصمیم گرفت که خودش تنهایی وارد تجارت بشه. اون، Kennard رُ مجبور به خارج شدن از این تجارت کرد و شرکت رُ به Ouija Novelty تغییر نام داد. اون شروع به تولید صفحه‌های سخنگوی فولد (Fuld's Talking Board) کرد. (اسم خودش رُ بر روی صفحه‌ها گذاشت) و به یه تاجر موفق تبدیل شد. سپس وی از اعضای مجمع عمومی بالتیمور شد و برای ۳۵ سال زیر نظر شرکت بود تا بالاخره در سال ۱۹۲۷ در حادثه‌ای از دنیا رفت. وارثانش تا سال ۱۹۶۶ شرکت رُ نگه داشتند و بعد به برادران پارکر (Parker Brothers) فروختنش. این شرکت تا امروز بر اساس حق امتیازش، صفحه‌های Ouija رُ تولید می‌کنه. اگرچه بخشی از موفقیت این شرکت به دلیل عروسک‌ها و صفحه‌های بازی هست که می‌سازه.

توضیح

Ouija در هیچ زبانی معادل نداره و نزدیک‌ترین تلفظ صحیح‌ش به فارسی «ویجا» هست. برای شنیدن تلفظ صحیح‌ش از این آدرس استفاده کنین:

<http://cougar.eb.com/sound/o/ouija۰۰۲.wav>

طرز استفاده از صفحه‌های سخنگو

صفحه‌های سخنگو شاید بزرگترین ابزار ارتباطی جدال‌آمیز از نظر روح‌شناسان باشد. بیشتر به این دلیل که این وسیله می‌تونه توسط هر کسی مورد استفاده قرار بگیره و به هیچ نیروی خاصی برای هدایت احتیاج نداره. شاید به همین دلیل باشه که اکثر روح‌شناسان استفاده از این روش رُ تشویق نمی‌کنن: چون این روش، یه فرد معمولی رُ قادر می‌سازه تا نتیجه‌ی «مدیوم ماندی» رُ تولید کنه، بدون این که در واقع روح یا پدیده‌ی روحی وجود داشته باشه.

به طور خلاصه طرز کار Ouija بدین طریق هست که روی یک صفحه، حروف الفبا و غیره نوشته میشه، افراد دست هاشون رُ به آرامی روی سکه‌ای قرار میدن که رو صفحه هست. سکه به طرز باورنکردنی حرکت می‌کنه و به ترتیب رو حرف‌ها میره.. با خوندن حرف‌ها پشت سر هم، جمله‌ها تشکیل میشه.

از آنجا که صفحه‌های سخنگو، هم محکوم شدن و هم ازشون تقدیر شده؛ به عنوان راهی برای ارتباط برقرار کردن با ارواح و یا مسیری منتهی به تاریکی، مردم هم‌چنان می‌پرسن که آیا صفحه‌ها خطرناک هستن؟ صحیح‌ترین جواب اینه که به شخصش بستگی داره (و طرز استفاده). در نهایت صداقت، هیچ نظر قطعی درباره‌ی قدرت صفحه‌های سخنگو نمیشه داد. معمولاً این هشدار بیان میشه که افراد خیلی خودشون رُ با صفحه‌ها مشغول نکنن، مگه این که خودشون رُ برای هر پیشامدی آماده کرده باشن. فقط میشه راهنمایی‌هایی رُ کرد، برای استفاده‌ی بهتر از صفحه‌های سخنگو و تصمیم‌نهایی با خودتونه که فکر کنین دارین با ارواح تماس می‌گیرین یا این بخشی از آزمایش یک پدیده‌ی روحی-روانی هست. (یعنی با ضمیر ناخودآگاه خودتون دارین تماس می‌گیرین).

صفحه حداقل باید توسط دو نفر استفاده بشه و به هیچ عنوان یک نفر نباید از صفحه استفاده کنه. صفحه می‌تونه رو دامن یا لباس افراد قرار بگیره یا صفحه رُ رو یه میز قرار بدین طوری که در دسترس همه باشه (افرادی که دستشون رُ گذاشتن بتونن به راحتی دسترسی داشته باشن). افراد زمانی که به آرامی سر انگشت‌هاشون رُ بر planchette (سکه) گذاشتن، خیلی اون رُ محکم فشار ندن. اگه شما در جلسه‌ی صفحه‌ی سخنگو نقشی دارین (یا شاهد هستین)، زمانی که صدای خراشیده شدن planchette بر روی صفحه رُ می‌شنوین، یا به نظر

می‌رسد که صدای حرکت به طرز غیرمعمولی بلند هست، مشکلی وجود دارد. یعنی این که کسی اتفاقی (یا عمدی) دارد اشاره‌گر رُ هدایت می‌کند. جلسه باید فوراً متوقف بشود و هر اطلاعاتی که از صفحه‌گرفتن اشتباه تلقی می‌شود.

زمانی که جلسه شروع می‌شود، توصیه شده که افراد، روحی (spirit) رُ دعوت کنند تا بیاد و باهاشون صحبت کنند. به افراد نصیحت شده که بخوان با روحی که مورد نظرشون هست صحبت کنند. دلیلش هم اینست که ارواح منفی تلاش خواهند کرد که بیان و افراد رُ گیج کنند. برای همین بهتره افراد اول اعلام کنند با کی می‌خوان صحبت کنند و دنبال چه کسی هستن برای اون جلسه.

بعد سوال‌ها می‌تونن به طور واضح و شمرده، به عمد تکرار یا پرسیده بشن. در آن واحد فقط یک سوال باید پرسیده بشود. و برای جلوگیری از گیج شدن، فقط از یک نفر (یعنی فقط یک نفر مسئول پرسیدن باشه).

صفحه‌ی ویجا چه جوری کار می‌کنه؟

خیلی‌ها فکر می‌کنن جواب‌هایی که صفحه‌میده، نتیجه‌ی حرکت ناآگاهانه‌ی انگشت افرادی هست که اشاره‌گر (سکه) رُ لمس کردن. اگه این گفته صحیح باشه، پس صفحه به وسیله‌ی چیزی اداره نمیشه به جز قدرت تلقین. در این حالت چه جوری می‌تونن توضیح بدیم گزارش صفحه‌هایی رُ که اطلاعاتی رُ دادن که هیچ‌کدوم از افراد در موردش کمترین اطلاعی هم نداشتن؟ یا پیش‌بینی اتفاقات آینده و صدها مورد دیگه؟

گفته شده که Ouija در واقع از بخش روحی انسان، قسمتی از اندیشه‌ی انسان قدرت می‌گیره و جواب‌ها به وسیله‌ی precognition (داشتن برداشتی از آینده)، تله‌پاتی یا یه وسیله‌ی ناشناخته داده می‌شه. بر این اساس، صفحه وسیله‌ی مرموزی خواهد بود که توسط حرکات ناخودآگاه افراد راهنمایی می‌شه، که البته هم‌چنان می‌تونه تحت تأثیر دستکاری ارواح باشه. در روی دیگه‌ی این سکه، خیلی از محققین از Ouija به عنوان راهی برای تجربه‌ی حرکت درآوردن اجسام با نیروی ذهن یاد می‌کنند، با در نظر داشتن این که planchette به وسیله‌ی ذهن انسان به جلو حرکت داده می‌شه.

خیلی از افراد فکر می‌کنن این خیلی هم پیچیده نیست، در واقع planchette به وسیله‌ی نیروی مستقیم ارواح، با وسیله‌ی راهنمایی دست افراد، حرکت می‌کنه. روح‌شناسان (Spiritualists) هم به همین معتقدند و حتا برخی از شکارچیان ارواح (ghost hunters) امروزه فکر می‌کنند که Ouija وسیله‌ی مهمی هست برای تماس با ارواح؛ چه ارواح خوب، چه ارواح بد.

و این ما رُ سوق میدِه به سمت شهرت ویجا که در سال‌های اخیر، تا حدودی بد بوده، خصوصاً توسط والدین و گروه‌های مذهبی. غالب اوقات کاربردهایی ذکر میشه که (اگرچه قابل اثبات نیستن، اما) «تسلط روح» نامگذاری شده و بعد از استفاده‌ی نوجوانان از Ouija اتفاق میفتن. ظاهراً نیروهای نحس، خودشون رُ جای ارواح خوب جا می‌زنن و [ذهن] کودکان رُ به تصرف میارن و بزرگترها رُ تحت نفوذ خودشون قرار میدن و باعث آسیب‌های روانی و احساسی اونا میشن (یا حتا خودکشی) در بین کسانی که جرأت استفاده از صفحه رُ به خودشون دادن.

اما این کار (استفاده از ویجا) واقعاً چه قدر معموله؟ اگه بخواین فکر کنین؛ حتا به اندازه‌ی یه سگ نگهبان هم استفاده از این روش متعارف نیست. اگرچه من می‌گم که امکان داره که مردم بهش وابسته بشن یا حتا ازش آزار ببینن. البته Ouija هم مثل خیلی چیزای دیگه، مثل یه مراسم مذهبی هست که مردم می‌تونن بهش وابسته بشن یا ازش آزار ببینن.

در پایان من نمی‌خوام بگم که برای ارواح این کار غیرممکنه که به وسیله‌ی صفحه‌ی ویجا با ما ارتباط برقرار کنن و باعث بشن برای افراد مشکلاتی پیش بیاد. در واقع هیچ راهی نیست که بشه یه گفته‌ی قطعی در این مورد داشت. در این نقطه، حتا نظرهای زیادی وجود داره که صفحه چه جوری کار می‌کنه، اما هیچ کدوم ثابت نشده.

یه سوال باقی می‌مونه که جوابش رُ شخص خودتون باید بدین؛ بعد از این همه سال هیچ دلیل قانع‌کننده‌ای برای صحیح یا غلط بودن این روش پیدا نشده، اما آیا واقعاً Ouija یه اسباب بازی خطرناکه یا یه روشه برای ارتباط برقرار کردن با مرده‌ها؟ بهتره همین الان برای خودتون جوابتون رُ پیدا کنین - و بعد تصمیم بگیرین در عمل چه کار کنین.

خیلی رک بگم، به نظر من (نویسنده‌ی سایت prairieghosts.com) صفحه‌ی Ouija اصلاً به اندازه‌ای که بعضی از شما ممکنه تصور کنین خطرناک نیست. باور نمی‌کنم که هیچ خطر

ذاتی در استفاده از ویجا وجود داشته باشد، خصوصاً که به نظر میاد راههایی هست برای این که اون رُ امتحانش کنین و حتا نیروی ذهنی رُ به وجود بیارین. با این حال پیشنهاد نمی‌کنم که توسط افراد جوان مورد استفاده قرار بگیره و همین طور افراد حساس و کسانی که خودشون رُ برای هر پیشامدی (خصوصاً منفی، در اثر استفاده از صفحه) آماده نکردن. گزارش‌های خیلی زیادی هست از افرادی که از Ouija استفاده کردن و بعد از مدتی پی بردن «یه سری اتفاق داره میوفته». برخی از این تجربه‌ها مربوط به صداها و حرکت اشیا در خونه‌شون بوده. کسانی که معتقدند Ouija می‌تونه با ارواح تماس برقرار کنه خواهند گفت؛ فردی که از صفحه استفاده می‌کنه هیچ حفاظی نداره، در نتیجه مورد هجوم «وجودهای پست تر» lower entities واقع میشه. این احتمال وجود داره که Ouija (همون طور که گفته شد) نیروی ذهنی فرد رُ تهییج و تحریک می‌کنه و این روی فعالیتهای فیزیکی تأثیر می‌ذاره (نه ارواح). به همین دلیل افرادی که خیلی شور و هیجان دارن باید از استفاده‌ی صفحه اجتناب کنن.

امکانش هست (و باور شخصی من هم همینه) که Ouija مثل یک صاعقه‌گیر برای فعالیتهای عمل می‌کنه. نیروی تمرکز افراد، قدرت ذهنی افراد رُ تحریک می‌کنه، در نتیجه احتمالاً یک انرژی متمرکز و معطوف شده به وجود میاد، و شاید یه جور «گذرگاهی» رُ به دنیای دیگه باز می‌کنه.

البته من هم باور دارم که ویجا یک وسیله‌ی ماورا طبیعه هست. با این حال فکر نمی‌کنم وسیله‌ی درستی باشه برای تحقیقات روح شناسی - تا بخواد ازش استفاده بشه. ترس بیشتر از ذهن بشر هست تا چیزی که Ouija باهاش ارتباط برقرار می‌کنه.

چی باعث میشه Ouija board کار کنه؟

دقیقاً دو گروه وجود دارن؛ کسانی که اعتقاد دارن Ouija می‌تونه با دنیای دیگه تماس برقرار کنه و در نتیجه گفته‌های ویجا، گفته‌های اون موجودات هست. البته در همین تقسیم‌بندی هم اختلاف‌های زیادی بین نوع این «دنیای دیگه» وجود داره اگر چه بیشتر از همه این موجودات به «روح‌های نابالغ» (روح افرادی که تازه مردن یا به دلایلی در سطح خیلی پایینی قرار دارن؛ ghosts)، بعد «ارواح»، بعد «جن» و در مواردی «همزاد» بیان شده.

و در گروه دیگه، شکاکین (Skeptics) قرار دارن که معتقدند ویجا به وسیله‌ی «ideomotor effect» حرکت می‌کنه (چیزی که به «تأثیر ناخودآگاه» مشهوره). واژه‌ی اثر موتور ذهنی بر می‌گرده به رفتارهای بی‌ارادی و ناخودآگاه نیروی تکان دهنده‌ی فرد. اصطلاح «ideomotor action» در سال ۱۸۸۲، توسط William Carpenter اختراع شد. این واژه به حرکت ترکه‌های آبیاب، پاندول‌های غیب‌گو، چرخش میز توسط ارواح و البته حرکت نشانه‌گر در صفحه‌ی ویجا نسبت داده میشه.

آقای Carpenter در مورد این که حرکت ماهیچه‌های بدن می‌تونه در ابتدای خودش تحت تأثیر ذهن باشه یا در اثر خواست و اراده و یا احساسات، بحث‌های زیادی کرد. ما شاید از این امر مطلع نباشیم اما اظهار عقیده و اشارات دیگران یا تماشاگران می‌تونه رو ذهن تأثیر بذاره. و در نتیجه بر عملکرد نیروی تکان‌دهنده اثر بذاره. چیزی که تماماً مربوط به علم فیزیولوژی میشه، اگر چه شاید تا حدودی ماورای طبیعی به نظر برسه.

البته توضیحات شکاکین هیچ وقت نتونسته برای «پیش‌گویی‌ها» و اتفاقاتی که بعضی مواقع به وسیله‌ی Ouija میوفته، جوابی پیدا کنه.

داستان‌ها و حوادث Ouija Board

همون طور که گفته شد خیلی افراد هم‌چنان از استفاده‌ی صفحه‌ی ویجا می‌ترسن؛ چه برای اهداف خوب و چه اهداف بد. به نظر می‌رسه سوال‌های خیلی زیادی هم‌چنان بدون پاسخ مونده که آیا صفحات سخنگو یک راه قابل اعتماد به دنیای دیگه هست یا نه؟ و آیا این فقط یک بازی گمراه‌کننده ست؟ در زیر مواردی ذکر شده که اگرچه جوابی به سوال فوق نمیده، اما حاصل تجربیات سالیان سال استفاده از Ouija هست. صدق گفته‌های زیر تقریباً غیرقابل اثباته و فقط به تصمیم خواننده بستگی داره.

بیشترین مطلبی که درباره‌ی Ouija میشه پیدا کرد مربوط به حوادثی هست که برای استفاده‌کنندگان صفحه به وجود آمده. با یه جست‌وجوی کوچک میشه صدها هزار صفحه، متن حوادثی رُ پیدا کرد که هم خوب هستن هم بد. اگرچه بیشترین‌شون از اتفاقات ناگوار حکایت می‌کنن. در این قسمت به صورت خیلی خلاصه برخی موارد معروف -و بیشتر خوب-

فهرست‌وار گفته می‌شن. در صورت تمایل، در اینترنت هزاران نوشته (به صورت رایگان) در این مورد وجود دارد.

× یکی از مرموزترین ساختمان‌های لوس‌آنجلس به اسم Bradbury Building مشهوره. سالیان سال کارگردان‌های هالیوود به این ساختمان کشیده میشدن و صحنه‌هایی رُ فیلمبرداری می‌کردن. بر اساس افسانه‌ها، eorge Wyman در سال ۱۸۹۳ قبل از این که ساختمان رُ بسازه، توسط Ouija با برادر مُرده‌ش مشورت کرد. Wyman که اون موقع تجربه‌ی معماری کمی داشت، بحث کرد که آیا این کار تاریخی رُ قبول کنه یا نه؟ برادرش -از طریق صفحه- متقاعدش کرد که این ساختمان، اونو مشهور می‌کنه - و همین طور شد!

× آقای Arthur Henry Ward (که بیشتر به عنوان Sax Rohmer شناخته شده هست) نویسنده‌ی رمان‌های ماجراجویانه‌ی معروف «Fun Manchu» که یکی از اعضای Golden Dawn هم بود و رمان‌های مخفی زیادی رُ نوشته، بر اساس بیان شخص خودش، نویسندگی پرسود خودش رُ به وسیله‌ی پیشنهادی که از Ouija board گرفت شروع کرد. اون پرسید چه جوری میشه با نویسندگی به بهترین نحو زندگی‌ای رُ ساخت. و جواب گرفت «c-h-i-n-a-m-a-n»؛ کسی که بانی خیر، مسئول و محافظ شخص دیگه‌ای هست. داستان‌هایی که از بعد از اون ماجرا نوشته شد، براش شهرت و ثروت و امتیازی رُ به ارمغان آورد که هم‌چنان امروز هم محبوب هست.

× خانم خانه‌دار لوییس مقدس به اسم Pearl Curran، در اوایل دهه‌ی ۱۹۰۰ دنیای ادبی رُ در حیرت فرو برد؛ با اعلام این که تولید هزاران صفحه از رمان‌ها و اشعارش به وسیله‌ی Ouija صورت گرفته و در اصل منتسب هست به روحی به نام Patience Worth.

× از سال ۱۹۱۹ Stewart Edward White (نویسنده) و همسرش Betty به مدت ۱۷ سال، با گروهی از موجودات که اسم Invisibles رُ برای خودشون انتخاب کرده بودن، به بررسی مدیوم بودن Betty پرداختن. اولین تماس‌ها رُ به وسیله‌ی Ouija board برقرار کردن، سپس این ارتباط رُ به وسیله‌ی automatic writing ادامه دادن. بعدها White در سال ۱۹۳۷ کتابی به نام Betty Book رُ منتشر کرد که شامل توضیح کامل تمام اتفاق‌ها به ترتیب زمانی هست.

× در سال ۱۹۳۳ Dorothea Turley و دختر پانزده سالش Mattie به قتل همسر و پدرشون محکوم شده بودن. در جایگاه شهود Mattie عنوان کرد که چه جوری Ouija board که به وسیله‌ی مادرش هدایت میشد، گفته بود که هیچ مشکلی برای کشتن پدرش نیست و مادرش می‌تونه با «گاوچران» (cowboy) ازدواج کنه. در نتیجه Mattie اون رُ به وسیله‌ی یه شات‌گان (تفنگ) کشت. هیئت منصفه حکم داد که جرم، به دلیل سو استفاده از پول بیمه و فرد عاشق Dorothea انجام گرفته و نه به خاطر Ouija board. در نتیجه Dorothea به زندان و Mattie به دارالتادیب فرستاده شد و تا ۲۱ سالگی اونجا موند. مادرش سه سال بعد از جلسه‌ی دادگاه آزاد شد. (و هیچ مشکلی نبود؟)

× در سال ۱۹۷۲ Jane Roberts (شاعر) هنگام تجربه‌های ماورا الطبیعه‌ش، (که خودش به عنوان «احساس ترک هوشیاری از بدن» توصیفش می‌کنه) متوجه حرکت‌های نقل و انتقالی شد. اون و همسرش تجربه با Ouija Board رُ شروع کردن و با موجودی به اسم «Seth» ارتباط برقرار کردن. نتیجه‌ی این کار چندین جلد کتاب مشهور بود که به وسیله‌ی شخص Seth دیکته شده بود و شامل شخصیتی به نام Seth میشد.

× یکی از بیشترین استفاده‌های ویجا در خوابگاه‌ها هست. چند هفته پیش (البته این گزارش در سال ۲۰۰۳ نوشته شده) خبری از دختری منتشر شد که صفحه‌ی ویجا رُ مقصر آتش‌سوزی مرموز در سالن Neuzil می‌دونست. اون وقتی برای ناهار صدا زده میشه، ویجا رُ روی مبل، باز می‌ذاره و میره. وقتی برمی‌گرده به اتاقش، میبینه به طریقی، مبل داره در آتش می‌سوزه. بعد از این که آتش خاموش میشه، هیچ اثری از Ouija Board نمی‌تونن پیدا کنن.

موارد ذکر شده، معروف‌ترین فواید استفاده از ویجا بود. اما طبق آمار نزدیک هشتاد درصد گزارش‌های رسیده مربوط به اعمال شوم و اتفاق‌های بد هست؛ قتل، جنون، آتش‌سوزی، جنایت و انفجار. بر روی اینترنت، صدها وب‌سایت و وبلاگ به خطرات استفاده از ویجا اختصاص داده شده که با یک جستجوی ساده می‌تونه در اختیار شما قرار بگیره.

آیا صفحه‌ی ویجا خطرناکه؟

اکثر محققین حوادثِ غیرعادی توصیه‌ای که می‌کنند، بر علیه استفاده‌ی بی‌جهت از ویجا هست، با این اشاره که ویجا می‌تونه دری باشه به بُعد ناشناخته. «صفحه به خودی خودش خطرناک نیست، اما طرز ارتباط برقرار کردن شما باهاش می‌تونه خطرآفرین باشه» این جمله رُ یک روح‌شناس می‌گه (بیشتر؟ به آدرس <http://www.ghostresearch.org/articles/ouija.html> مراجعه کنین) و ادامه میده؛ «معمولاً ارواحی که به وسیله‌ی Ouija ارتباط برقرار می‌کنند، اون‌هایی هستند که در سطح پایین‌تر (the lower astral plane) اقامت دارن. این ارواح اکثر مواقع خیلی سراسیمه هستن و امکان داره مرگ‌شون، یک مرگ سریع یا سخت بوده باشه؛ قتل، خودکشی و غیره. در نتیجه وضعیت خیلی سخت، منفی و بالقوه خطرناکی برای کسانی که از صفحه استفاده می‌کنند به وجود میاد. معمولاً دفعات متوالی ارواح سعی می‌کنن با شما ارتباط برقرار کنن (یک روح خاص، سعی می‌کنه شما رُ از دست نده و خودش باز هم بیاد). اما خطر واقعی زمانی هست که شما ازشون می‌خواین که حضورشون رُ ثابت کنن یا یه کار فیزیکی براتون انجام بدن. شما امکان داره خیلی ساده بگین <خب تو اگه واقعاً یه روح هستی، این نور رُ خاموش کن (یا مثلاً شعله‌ی شمع رُ پخش کن) یا فلان چیز رُ تکون بده.> اما باید بدونین که در واقع کاری که شما انجام دادین خیلی ساده‌ست: شما <درگاه رُ باز کردین> و بهشون اجازه دادین که وارد دنیای فیزیکی بشن و در این حالت مشکلات بعدی می‌تونن - و اکثر مواقع اتفاق میوفته - که پیش بیان.»

اما چه طور خواهد بود اگه ویجا نتونه واقعاً با ارواح ارتباط برقرار کنه؟ اگه فقط می‌تونه با ضمیر ناخودآگاهمون تماس حاصل کنه؟ در این مورد هم نصیحت مشابه هست: از اونجایی که گزارش‌های مثبت در رابطه با استفاده از ویجا خیلی کم هست اما خیلی خیلی زیاد گزارش‌های منفی در این مورد وجود داره، شاید لازم باشه فرض کنیم که ویجا می‌تونه با جنبه‌های منفی ناخودآگاهمون خودش رُ وفق بده. اگر چه همیشه نادیده گرفت علمی رُ از اتفاقات گذشته و حتا آینده که خیلی مواقع ویجا با ما درمیان می‌ذاره.

اگه به هر دلیلی شما مصمم هستین که از ویجا استفاده کنین، خیلی شدید پیشنهاد میشه که بعضی قوانین احتیاطی رُ جدی بگیرین:

× جلسه رُ با اعلام این جمله شروع کنین که فقط تجربه‌ای می‌تونه پیش بیاد که مثبت باشه یا مربوط به یه امر خوب باشه و از انرژی‌های منفی استقبال نمیشه.

× هیچ نشونه‌ی فیزیکی نخواین.

× وقتی کارتون تموم شد. صفحه رُ ببندین. این یه مرحله‌ی خیلی مهمه. وقتی کارتون در یک جلسه تموم میشه، planchette (سکه) رُ روی «خداحافظ» ببرین و دست‌هاتون رُ بردارین.

چه جوری یه Ouija Board بسازیم و باهاش کار کنیم؟

استفاده از صفحه‌ی ویجا یه تجربه‌ی جالب خواهد بود. بعضی‌ها باور دارن که ویجا دریچه‌ای رُ به دنیای دیگه باز می‌کنه و برای همین هم بر علیه‌ش هشدار میدن. عده‌ای هم به چشم یک تفریح بی‌خطر بهش نگاه می‌کنن؛ خصوصاً اگه جدی بهش نگاه نشه. در زیر راهنمایی برای استفاده از ویجا آورده شده، اما این به هیچ عنوان به معنی تشویق شما برای استفاده از اون نخواهد بود. تنها نصیحت ما اینه که اول اطلاعات کافی در مورد ویجا به دست بیارین، بعد اگه تصمیم به کسب این تجربه گرفتید، راهنمای زیر رُ بخونین. در عین حال برای اولین تجربه، حضور دوست یا استادی که در این زمینه تجربه داشته باشه، کمک خیلی بزرگی براتون خواهد بود.

مشخصات

کامل بودن: متوسط

از نظر سخت بودن: ساده

زمان لازم: پانزده دقیقه تا یک ساعت

تعداد افراد لازم: حداقل دو نفر

مواد لازم

برای ساخت صفحه: یک کاغذ، خودکار، نشانگر (سکه)

برای استفاده: یک محیط آرام، زیر دستی یا یک میز کوچک

برای ارتباط برقرار کردن نیاز به صفحه‌ی ویجا داریم. ست ویجا در فروشگاه‌های مختلف و اسباب‌بازی‌فروشی‌ها عرضه میشه اما ساختن یک صفحه‌ی ویجا کار خیلی ساده ایه. و به یک نشانه‌گر احتیاج دارین که می‌تونه یک سکه باشه؛ نوع یا پشت و روی سکه فرقی نداره. اگرچه

این نشانه‌گر یا پلاک می‌تونه از هر جنسی باشه؛ چینی، نقره، طلا یا برنز. شاید دوست داشته باشین یه پیکان (arrow) هم روش بکشین تا سمتش رُ مشخص کنه. اگه قراره یک نفر کار ارتباط رُ انجام بده، می‌تونین از سکه هم استفاده کنین (این مطلب فقط در آدرس tbsn.org/ebooks/wos/chap۲۲.htm بیان شده، در حالی که در باقی سایت‌ها، تعداد افراد، حداقل دو نفر ذکر شده)

برای ساخت صفحه‌ی ویجا هم (اگرچه جنس خاصی مد نظر نیست، اما برای سهولت) یک تکه کاغذ یا مقوا لازمه تا حروف روش نوشته بشه. این تکه کاغذ بهتره تمیز و مرتب باشه. سه دسته حرف و علامت روی کاغذ نوشته میشه؛ حروف الفبا، اعداد (از صفر تا نه) و جمله‌های «بله»، «خیر»، «سلام»، «خداحافظ».

در «ست ویجا» چون نوک اشاره‌گر به حرف مورد نظر اشاره می‌کنه، طرز چیده شدن حروف خیلی اهمیتی نداره اما در صفحه‌های دست‌ساز، بهتره حروف به صورت گرد، دور کاغذ نوشته بشه (به اصطلاح دورچین) و فاصله‌ی کافی بین حروف رعایت بشه تا سکه با قرار گرفتن روی هر حرف، پیام خودش رُ برسونه (یعنی بهتره طوری حروف نوشته بشن که سکه برای گفتن یه حرف، مجبور نشه از روی حرف دیگه‌ای عبور کنه) - اگرچه در شکل ظاهری صفحه هیچ اجباری وجود نداره، اما بهتره صفحه ساده و خلوت باشه.

اگر تصمیم گرفتین حروف رُ دایره وار بنویسین، می‌تونین فرض کنین چهار دایره‌ی تو در تو هم‌مرکز، بر روی کاغذ وجود داره. دایره‌ی تویی (اولین دایره از وسط) که کوچکترین دایره خواهد بود، جایگاه پیش فرض سکه هست. در چهار قسمت درونی دایره‌ی بعدی (دومین دایره‌ی بزرگ صفحه) چهار عبارت «بله»، «خیر»، «سلام»، «خداحافظ» رُ بنویسین. در دایره‌ی بالاتر اعداد رُ از صفر تا نه، به ترتیب بنویسین و در امتداد محیط آخرین دایره، حروف الفبا رُ بنویسین.

صفحه رُ بر روی سطح همواری قرار بدین، سکه رُ در وسط بگذارین و انگشتتون رُ به آرامی روی سکه قرار بدین. سکه با حرکت بر روی کاغذ و اشاره به حرف‌ها، کلمات و پیام‌هایی رُ به شما منتقل خواهد کرد.

برای کار با صفحه مراحل زیر رُ دنبال کنین

یک - حداقل دو نفر برای این کار لازمه. بهتره از یک دوست یا آشنا برای این کار استفاده کنین. این فرد می‌تونه فامیل (خواهر/ برادر - همسر) یا یک دوست نزدیک باشه. در صورت استفاده‌ی دونفری، معمولاً یک مرد و یک زن پیشنهاد میشه.

دو - از نظر زمانی؛ اکثر تمرین‌کننده‌ها پیشنهاد می‌کنن که «شب» از صفحه استفاده کنید؛ زمانی که عقیده دارن مزاحمت و دخالت کمتری در اتمسفر وجود داره. و زمانی بین نیمه شب (ساعت دوازده) تا ساعت چهار صبح رُ پیشنهاد میدن. اگرچه زمان خاصی برای این کار وجود نداره، ولی سکوت و آرامش و به هم نخوردن جلسه، می‌تونه به بهتر برگزار شدن جلسه کمک کنه.

سه - سعی کنین جو خاصی رُ به وجود بیارین. Ouija خیلی بیشتر بامزه (funny) میشه اگه چراغ‌ها رُ خاموش کنین، نور رُ کم کنین و یا شمع روشن کنین. تلویزیون و پخش موسیقی رُ برای به حداقل رسوندن حواس‌پرتی، خاموش کنین. البته کاملاً بستگی به شما داره اما گفته میشه نیازی به خاموش کردن چراغ‌ها نیست و روشن کردن عود یا شمع می‌تونه انرژی منفی رُ دور کنه (اثر عود بیشتره) و یا پخش یک موسیقی آروم با صدای کم شاید حتا بتونه تمرکز افراد رُ بیشتر هم بکنه.

چهار - در سایت paranormal.about.com گفته شده که «دو نفر باید رو به روی همدیگه، روی زمین بشینن و در صورت امکان زانوهایشون با هم تماس داشته باشه و صفحه رُ روی پاهاشون قرار بدن...» و گفته شده «پشت میز نشینین.» اما در سایت‌های دیگه روش خاصی ذکر نشده فقط نکته‌ی مهم اینه که افراد باید راحت باشن (معذب نباشن) و در حالی باشن که خیلی نیاز به تغییر موقعیت دادن نداشته باشه. افراد می‌تونن دور یک میز کوچک جمع بشن و صفحه رُ روی میز قرار بدن یا روی زمین. اما پیشنهاد میشه خود افراد روی زمین نشست باشن.

پنج - در مورد شخص پرسش‌گر تصمیم بگیرید. اگر چه هر کدوم از افراد می‌تونن سوال بپرسن یا حتا کس دیگه‌ای که تو اتاق هست و ناظره، اما بهتره برای گیج نشدن روح، یک نفر مراسم رُ آغاز کنه و سوال‌ها رُ بپرسه و ریاست جلسه رُ به عهده داشته باشه. در این میان باقی

افراد هم می‌تونن سوال بپرسن، اگر چه برای جلوگیری از گیج شدن روح پیشنهاد میشه سوال‌ها یکی یکی پرسیده بشه. صبر کنین تا روح در صورتی که داره صحبتی می‌کنه، حرفش تموم بشه.

شش - انگشت‌تون رُ خیلی آروم روی planchette قرار بدین. شاید لازم باشه شما و افراد دیگه، یک انگشت از هر دست (راست و چپ) رُ روی سکه بذارین. انگشت شما باید خیلی آروم با لبه‌ی سکه در تماس باشه؛ نباید به سکه فشاری بیارین و نباید در صورت حرکت سکه، جا بمونین. اگه تعدادتون زیاده (مثلاً چهار نفر) اولاً لازمه طوری بشینین که همه دستشون به سکه برسه (و معذب نباشن) و ثانیاً اگه لازمه، از نشانه‌گر (سکه) بزرگتری استفاده کنین. در بعضی متون آورده شده که نباید دست‌تون به جایی تکیه داشته باشه (مثلاً آرنج رُ روی زمین بذارین و غیره) اما تأکید خاصی بر این امر صورت نگرفته.

هفت - تکونش بدین! عمداً یکی دو دور سکه رُ دور صفحه بگردونین تا «گرمش کنین» (این عبارت رُ تو هیچ سایت دیگه‌ای ندیدم، مگر یه سایت دیگه که غیرمستقیم گفته بود حرکت عمدی سکه در اول جلسه، به طور ناخودآگاه شاید جبهه‌گیری مخالفِ باقی اعضا رُ کاهش بده و باعث بشه ارتباط برقرار بشه. البته این کار هم اصلاً پیشنهاد نشده بود؛ چون یه جور تقلب به حساب میاد.)

هشت - طرز برخورد؛ نذارین صفحه، کنترل جلسه رُ به عهده بگیره. جلسه با بیان این عبارت شروع بشه که تنها اجازه به تجربه‌هایی داده میشه که خوب یا مثبت هستن و انرژی‌های منفی طلبیده نمیشن. سعی کنین از قبل بدونین چه کار دارین؛ مثلاً اگه با روح خاصی کار دارین صداش کنین یا اگه سوال خاصی دارین، فقط اون سوال رُ بپرسین. کنترل جلسه باید در همه حال در دست شما باشه. در طول اجرا نباید احساساتی بشین.

نه - با یه سوال ساده شروع کنین. سوال‌های «بله» / «خیر» معمولاً ساده‌ترین سوال‌ها هستن. بهتره سوال‌ها واضح باشن (نه دوپهلو) و در صورت دریافت هر نوع جوابی، آرامش خودتون رُ حفظ کنین.

برای شروع می‌تونین بگین «روح لطفاً بیا و ما رُ راهنمایی کن» یا روح خاصی رُ صدا بزنین. در این صورت اگرچه بیشتر از همه منظور شما مهمه، اما بهتره به اسم کامل صدا بزنین (مثلاً آقای اسمیت براون).

ده - صبور باشین. امکان داره همون موقع به جواب نرسین. به صفحه اجازه بدین «گرم بشه». در عین حال امکان داره به جواب صحیح نرسین؛ مثلاً واژه‌های بی‌معنی گفته بشه یا حرکت خیلی سخت و آروم باشه؛ در این صورت احتمالاً یک چیز مشکل داره: یا زمان مناسب نیست. یا موقعیتی که همه نشستن راحت نیست یا همه‌ی افراد تمرکز ندارن. یا شاید لازم باشه شریک تون (partner) رُ عوض کنین.

یازده - مودب باشین؛ وقتی صفحه شروع به کار کرد، از صفحه (!؟) یا اون موجودها برای این که با شما ارتباط برقرار می‌کنن تشکر کنین. در کل طرز صحبت کردن و سوال پرسیدن‌ها نباید به گونه‌ای باشه که ارواح رُ متهم یا ناراحت کنه.

دوازده - سوال‌های احمقانه نپرسین. از پرسیدن سوال‌هایی مثل «کی قراره من بمیرم» پرهیز کنین. به فرض که صفحه جواب بده ۶ ماه دیگه، خیلی بی‌دلیل فقط در این مدت نگران میشین. و در ضمن بهتره به گفته‌های صفحه خیلی اعتماد نکنین و شدیداً توصیه میشه که در هیچ موردی به صفحه تکیه نکنین.

سیزده - هیچ نشونه‌ی فیزیکی نخواین. خیلی از کاربرهای باتجربه در مورد عدم درخواست نشونه‌های فیزیکی؛ که مثلاً روح واقعاً هست یا حضور داره، هشدار دادن. و در کل بهتره ارتباطی که با روح برقرار میشه، بیشتر کلی باشه؛ به روح اجازه ندین وارد زندگی خصوصی شما بشه.

چهارده - هر چیزی که صفحه به شما میگه رُ باور نکنین. دقیقاً مثل هر منبع اطلاعاتی دیگه؛ به هر گفته‌ی صفحه به چشم یه خبر موثق (درست) و دقیق نگاه نکنین. فراموش نکنین که اگر هم صفحه قدرتی نداشته باشه، نیروی فکر شما - که می‌تونه غیرارادی هم باشه - قدرت خیلی زیادی داره.

پانزده - صفحه رُ ببندین. این مرحله‌ی مهمیه، زمانی که کار جلسه تموم شد، سکه رُ روی خداحافظی ببرین و دست‌هاتون رُ بردارین. وقتی دیگه با روح کاری ندارین، باید حتماً ازش خداحافظی کنین؛ برای این کار می‌تونین لفظاً بگین «خداحافظ» یا خودتون سکه رُ ببرین رو «خداحافظ»، بعد منتظر بمونین تا روح هم با شما خداحافظی کنه (سکه رُ ببره رو

«خداحافظ» یا جمله‌ای رُ بگه که معنی خداحافظی بده. فراموش نکنین که این دو کار (بستن صفحه و خداحافظی کردن از هر روحی که میارین) خیلی مهمه و برای احتیاط حتماً باید انجام بشه. امکان داره روحی نخواد با شما خداحافظی کنه، اگه شما مجبور بودین جلسه رُ تموم کنین یا نخواستین با روح ارتباط برقرار کنین، باید چندین بار خداحافظی کنین یا جلوی صحبت کردن روح رُ بگیرین و مجبورش کنین به خداحافظی.

صفحه‌های تجاری Ouija بیشتر به حالت جعبه (مثل شطرنج مثلاً) هست و باید بعد از استفاده -برای قطع ارتباط- این جعبه بسته بشه، در هیچ حالتی صفحه رُ باز رها نکنین. در صورتی که صفحه‌ی Ouija شما از نوع دست‌ساز هست، بهتره اون رُ از وسط تا کنین (ببندین).

راهنمایی‌ها

- یک** - کسی رُ داشته باشین تا سوال و جواب‌ها رُ بنویسه. برخی مواقع حرف‌ها خیلی سریع بیان میشه و دنبال کردن گفته‌ها سخت میشه. می‌تونین شخص سومی رُ داشته باشین با یه مداد و کاغذ که متن پیام‌های داده شده رُ بنویسه.
- دو** - هوشیار بازی کنین؛ اگه سیگار نکشیده باشین یا چیزی الکلی ننوشیده باشین، نتیجه‌ی بهتری می‌گیرین.
- سه** - کنترل صفحه رُ به عهده بگیرین؛ اگه صفحه شروع کرد به گستاخ بودن و گفتن حرف‌های رکیک، زشت، پست و مبتذل یا هر جواب ناپسند دیگه، سریعاً جلسه رُ قطع کنین (روح رُ مجبور به خداحافظی کنین) و صفحه رُ ببندین.
- چهار** - به گفته‌های صفحه هیچ وقت تکیه نکنید، اما اگه موردی بود که متوجه نشدین کافیه دوباره -یا اگه لازمه جزئی‌تر- بپرسین.
- پنج** - انگشت‌ها فقط لبه‌های سکه رُ بگیرن. و انرژی به طور مساوی در طول سکه پخش بشه، یعنی اگه سه نفر هستین، هر انگشت در «قسمت یک سوم» از سکه باشه.

بعد از ارتباط، چه اتفاقی میوفته؟

صفحه آماده‌ست، انگشت‌تون رُ روی سکه (plate) می‌ذارین و روح رُ صدا می‌زنین. بعد از مدتی سکه می‌چرخه و در امتداد صفحه، جلو و عقب میره. این روش (استفاده از ویجا) یکی از

دقیق‌ترین راه‌هایی بود که در قدیم استفاده میشد تا از اتفاق‌هایی که در گذشته افتاده باخبر بشن.

در بعضی موارد شاید لازم نباشه حتا سوال‌تون رُ به زبان بیارین. همین که سوال رُ در ذهن خودتون بیارین، صفحه به شما جواب میده. حتا شاید بخواین اینجوری امتحان کنین که نفر سومی کنار بایسته و سوال رُ بپرسه، در این حالت افرادی که انگشت‌شون بر روی سکه هست سوال رُ نمی‌دونن، اما جواب باز هم موثر خواهد بود.

توصیه‌های بیشتر؛ توصیه‌های زیر عملاً اضافی هستن، اما در نهایت احتیاط، شاید لازم باشه موارد زیر در نظر گرفته بشه:

یک - بهتره چیزی که روح قراره بهش متصل بشه (سکه و افراد) تمیز باشن. به همین دلیل که شاید کسی بخواد قبل از تماس، خودش رُ بشوره یا برای خودش یه رژیم سبک در نظر بگیره. بهتره هر چیز دیگه‌ای که به کار میره هم نو باشه (کاغذ تمیز باشه).

از صفحه‌ی Ouija در حمام یا بر روی تخت‌خواب استفاده نکنین، چون این کار بی‌احترامی به ارواح رُ نشون میده. تجربه نشون داده، از نظر ارواح، تشکی که کسی روش می‌خوابه، یکی از کثیف‌ترین نقاط خونه شناخته میشه. زمانی که کسی سعی می‌کنه بر روی تشک کثیفی با ارواح ارتباط برقرار کنه، فقط ارواح پلید خواهند اومد. همین طور بهتره که این بازی رُ رو به روی یک معبد (جای مقدس) انجام بدین .

دو - plate یا سکه‌ای که برای این کار استفاده میشه، باید قبل از استفاده توسط مراسم خاصی، به وسیله‌ی آتش پاک بشه. (این موارد اصلاً جنبه‌ی کاربردی نداره و بیشتر اظهارنظر شخصی نویسنده محسوب میشه، اما برای اطلاعات بیشتر به صفحه‌ی tbsn.org/ebooks/wos/chap۳۲.htm مراجعه کنین.)

سه - زمان ارتباط برقرار کردن با ارواح هم مهمه. اگرچه روح می‌تونه هر ساعتی از روز بیاد، اما از نظر ذهنی خیلی ارتباط موثر نیست وقتی آدم‌های زیادی اطراف هستن یا سر و

صدای اضافی هست. در چنین شرایطی، سکه معمولاً خیلی آهسته حرکت می‌کند. بهترین زمان عمق نیمه شب هست، زمانی که آرامش همه جا رُفرا گرفته.

چهار – مهم‌ترین عنصر در استفاده از Ouija خلوص و بی‌ریایی هست. اگر چه این به تجربه‌ی روحی هست، اما کسی که برای تفریح ازش استفاده کنه، جواب‌هایی از روی تفریح می‌گیره. اگه بین دو طرف اعتماد نباشه، این ارتباط فقط به بازی ساده میشه.

نکته

به دلیل محدودیت وقت، خیلی از مطالب شاید خلاصه گفته شد یا اصلاً بیان نشد. برای اطلاعات بیشتر کافیه از گوگل استفاده کنین. اما در هر حال سایت‌های زیر هم می‌تونن کمک خوبی باشن برای شروع مطالعه‌ی بیشتر:

× موزه‌ی صفحه‌های سخنگو : (<http://www.museumoftalkingboards.com>)

این سایت بخش‌های مختلفی داره از جمله گالری صفحه‌های سخنگو که در آدرس <http://www.museumoftalkingboards.com/gallery.html> قابل مشاهده ست. و در اونجا می‌تونین تصویر صدها صفحه‌ی ویجا که توسط شرکت‌های مختلف تولید و عرضه شده رُ ببینین. البته این صفحه‌ها همه انگلیسی هستن.

× سایت <http://www.geocities.com/Area51/Vault/6071/Ouija.htm>

× لینک‌های <http://paranormal.about.com/od/ouijaboard/#more>

گزیده‌ای از دیگران

× ساکنان منطقه‌ی بین النهرین، هزاران سال اعتقاد داشتند که دروازه‌های ورودی و خروجی بهشت، در دو طرف قوس اکبر راه شیری، که رودخانه‌ی ارواح گفته می‌شد، قرار دارند. روح‌ها پس از مرگ جسمشان باید منتظر باز شدن دروازه می‌شدند و این امر فقط در برج القوس (sagittarius) و اعتدال لیل و نهار پاییزی (autumn equinox) رخ می‌داد. بر اساس این اعتقاد، بازگشت به زمین، برای زندگی بعدی، تنها در مدت زمان بین اعتدال لیل و نهار بهاری تا خروج اختر جوزا (gemini) از آسمان، امکان‌پذیر بود.

اگر چه تجربیات علمی و بررسی NDEها (تجربه‌های نزدیک به مرگ) ثابت کرده‌اند که روح پس از ترک زمین، از دهلیزی تاریک عبور می‌کند که آن طرفش برزخ روشن است. معمولاً روح‌ها، پس از مرگ، جسم خود را به سرعت ترک می‌کنند.

اگر شخصی در اثر یک سانحه یا یک اتفاق غیرمترقبه در گذشته باشد، در ابتدا احساس سردرگمی و سرگردانی می‌کند. اگر فرد در زندگی زمینی کار ناتمامی داشته باشد یا به هر دلیلی احساس افسردگی کند، «راهنمایان» با شتاب دادن به مقیاس زمان بر روی زمین، وقایع‌ای را که روح مشتاق به دیدن است، مثل وضعیت همسر و فرزندانش در آینده، به او نشان می‌دهند تا بتواند با آرامش، زندگی جدید (برزخی) خود را بپذیرد و ادامه دهد.

ترک این دنیا اغلب با لذت پشت سر گذاشتن قیود زندگی زمینی، به خصوص درد و و زجر جسمی (محصور بودن) همراه است. اگرچه شاید روحی، بنا به دلیلی، مدت کوتاهی پس از مرگ زمینی خود بخواهد همچنان در فضای زمین باقی بماند، اما معمولاً ارواح بعد از مرگ، به وسیله‌ی دهلیز به برزخ منتقل می‌شوند. در آن صورت فقط در زمان‌هایی، می‌توانند با قرار گرفتن در جای (موقعیت) خاصی، با زمینیان ارتباط برقرار کنند. (و این کاملاً به خواست روح خواهد بود - ارواح می‌توانند پیام‌ها (دعاها) رُ از زمین گرفته، اگه لازم باشد، در جایگاه خاصی قرار بگیرند تا بتوانند زمین رُ مشاهده کنند یا با زندگی زمینی ارتباط برقرار کنند).

× در تمام ادیان و به طور کلی، تماس با دنیای ارواح پیشنهاد نشده، و همچنین تماس بدون دلیل و جزئی شدن در این کار، شدیداً نهی شده. از قدیم طرز فکر بر آن بوده که تماس

با فالگیران و غیب‌گویان و جادوگران راه را برای ورود ارواح شریر در اشخاص مختلف باز می‌کند. برای توضیحات بیشتر در دین مسیحیت (با مثال از کتاب مقدس) به این آدرس مراجعه کنید: <http://www.christforiran.com/witchcraft.htm>

× در کتاب داستان‌های شگفت درباره‌ی جن آمده: «گفته می‌شود در اکثر موارد احضار روح؛ روح احضار شده روح نیست بلکه جن است، زیرا روح اختیاری از خود ندارد و تحت اختیار خداست و هم‌چنین روح توانایی حرکت اجسام را ندارد و جانیانند که صاحب اختیارند و قدرت جابه‌جایی اجسام را دارند. در اکثر موارد جانیان خود را روح معرفی کرده و از آنجا که زمان برایشان حاکم نیست توانایی پاسخ به سوالات واسطه را دارند.»

× جن در لغت به معنای مستور و پوشیده است، همان طور که بچه‌ی در رحم و پنهان از چشم ما را «جنین» گویند و جنت اشاره به باغی است که درختان آن مانع از به چشم آمدن زمینش می‌گردد. و شاید علت شک و تردید در وجود جن نیز همان مستور و پنهان بودنش از انظار و حس بشری است، که علت آن در ذات خلقتش نهفته است.

× بنا بر اعتقادات مسلمانان تنها موجودات ماورا الطبیعه فرشته‌ها و جن‌ها هستند و روح انسان وقتی کاملاً از بدن انسان خارج شود، نه تنها قدرتی ندارد بلکه انسان هم نمی‌تواند هیچ گونه تسلطی بر آن داشته باشد، مگر به خواست خداوند. در کتاب «ارتباط با ارواح» این طور آمده: «تسلط ارواح عقب‌مانده بر انسان‌ها را در اصطلاح عامیانه «جن‌زدگی» می‌گویند که در واقع به همان مفهوم افسون و تسخیر است. ما استفاده از این اصطلاحات را به دو علت صلاح نمی‌دانیم؛ اول این که، جن واژه‌ای است مخصوص موجودات هوشمند که برطبق روایتی عامیانه معمولاً برای ایجاد شر، خلق گشته‌اند، و همواره محکوم به بدی کردن می‌باشند. حال آن که هیچ موجودی به خاطر بدی کردن آفریده نمی‌شود. مشیت پروردگار چنان است که راه تکامل و تعالی همواره به روی تمام موجودات هوشمند باز باشد. دوم این که اصطلاح «جن‌زدگی» غالباً بدین معنی به کار می‌رود که جسم شخص جن‌زده را یک جن دیگر و یا روح متصرف شود. یعنی در واقع دو نوع سکونت در قالب یک بدن و این فقط یک نوع استثناست نه یک تصرف یا دشمنی و آزار، بدین جهت واژه جن‌زدگی به مفهوم عامیانه آن برای ما قابل قبول نیست.»

× اسماعیل حسین‌زاده‌سرابی در کتاب «سیمای جن» این طور می‌نویسد: «سال‌ها پیش در مشهد مسئله‌ی احضار روح غوغایی عجیب به راه انداخته بود تا این که دو نفر از علمای معتبر مشهد خواستار شرکت در آن مجلس شدند و پس از حضور، از نزدیک، جریان حرکت میز را مشاهده کردند. در جلسه‌ی دیگر یکی از آن دو درخواست کرد که میز (مقصود میز مخصوص احضار روح است که روی آن همه حرف‌ها نوشته شده و جن‌ها توسط اشاره‌ای میز را تکان می‌دهند تا روی حرف مورد نظر بایستد) را بگردانند (احضار روح کنند)، این عالم چون دارای علوم و معنویت خاصی بود و راه مکالمه صحیح با موجودات نامرئی را بلد بود، گرداننده میز را به اسمایی که حضرت سلیمان(ع) می‌دانست و با آن اسما جنیان را مسخر کرده بود، قسم داده و پرسیده بود: شما روح انسان هستید یا موجودی دیگر؟ و شروع به خواندن حروف الفبا کرده، در نهایت این جمله‌ها حاصل شد: «من جن هستم». زمردیان نیز در کتاب «شیطان کیست» می‌گویند: «مدتهاست (ارتباط‌گیرندگان با روح) با وسیله‌های گوناگون با جن تماس می‌گیرند... البته جن خود را به آن‌ها با نام روح یکی از افراد معرفی می‌کند و آن‌ها بر این باورند که با روح آدمی تماس گرفته‌اند، در حالی که اغلب تماس آن‌ها با جن و شیطان است.»

× قابلیت‌های موجود در جن که ناشی از نوع خلقتش می‌باشد (مانند پنهان بودن از چشم، طی مسافت کردن و غیره) این تصور را در ذهن انسان‌ها ایجاد می‌کند که این موجودات از عالم غیب آگاهند. ولی حقیقت آن است که تنها خداوند است که آگاه به غیب می‌باشد و لاغیر. البته بسیار دیده شده در جریان همین احضار روح که ما آن را احضار جن می‌دانیم، جنیان توانسته‌اند پاسخ‌های درست و مناسبی را ارائه دهند، که آن را نباید ناشی از علم غیب آنان دانست، زیرا جن‌ها از آنجایی که به راحتی می‌توانند طی طریق کنند، می‌توانند از هم‌نوعان خود که در جریان ماجرا قرار دارند، پاسخ را جویا شده و به شخص رابط اطلاع دهند و یا از امکانات دیگری استفاده کنند که ما از آن بی‌خبریم. به هر حال علم غیب چه برای انسان و چه برای جن منتفی است مگر برای عده‌ای خاص که از طرف خداوند این توانایی برایشان ممکن می‌شود.

× بر اساس عقیده‌ای قدیمی، احضار روح که به عناوین جن یا همزاد هم به کار برده می‌شود، حتا برای یک بار، باعث می‌شود تا سال‌ها انرژی منفی در زندگی آن شخص پدید آید و اتفاق‌های ناگوار، سریع‌تر و ساده‌تر، زندگی شخص را مورد هجوم قرار دهند.

پله‌ی بعدی، ایجاد شدن علاقه به این کار و نهایتاً پذیرش آن، به عنوان یک نیروی برتر و حتا جانشین خدا هست. اگرچه شاید نتوان اثبات کرد اما به تجربه ثابت شده که حداقل نتایج سریع و یا بلند مدت این کار؛ دعوا و بگومگو بین افراد خانواده، زود عصبانی شدن و قوی‌تر شدن خوی منفی، از جمله شک، عصبی بودن و دشمنی و پیش آمدنِ اتفاق‌های ناگوار (ناخواسته) برای فرد / افراد و نزدیکان آن فرد (خانواده، دوستان و...) می‌باشد.

× بیشتر شکاکین در این راه، ضمن این که کار با ویجا رُ کاملاً مردود ندونستن، اما اون رُ پیشنهاد نمی‌کنن. استدلال این افراد اینه که اگر واقعاً ویجا پلی باشه بین دنیای ما و ارواح، فقط می‌تونه با ارواح منفی (ghost) ارتباط برقرار کنه. فهمیدن این امر در برخی موارد ساده‌ست؛ اهداف شوم و نتایج منفی اعمالی که از طریق ویجا باهاشون آشنا می‌شیم. اما برخی موارد به سادگی قابل درک نیست: فراموش نکنین که زمان برای روح تقریباً معنایی نداره و یک روح شوم برای رسیدن به نتیجه‌ش، اگه لازم بدونه می‌تونه به هر طریقی اعتماد شما رُ جلب کنه.

× عکس‌های ارواح (Psychis Photos)

اگر چه عکس‌های خیلی زیادی از قدیم و جدید، بر روی نگاتیو و کاغذ وجود داره که نشون دهنده‌ی ارواح هست، اما اعتقاد کلی اینه که دوربین‌های فیلمبرداری و دیجیتالی (به دلیل این که می‌تونن نور مادون قرمز رُ هم ثبت کنن) بهترین وسیله برای ثبت عکس یا حرکت ارواح محسوب میشن. در عکاسی از ارواح، (بیشتر با تمرکز فکر) میشه از روح حیوانات یا افرادی که از این دنیا رفتن عکس گرفت. فقط تفاوت در اینه که معمولاً روح حیوانات در عکس‌ها، به صورت غیرمنتظره ظاهر میشن اما روح انسان‌ها (بیشتر) با واسطه‌ی عکاسان مخصوص ارواح (مدیوم‌ها) می‌تونن احضار و عکس گرفته بشن. اگرچه حضور ارواح می‌تونه فرم‌های متفاوتی داشته باشه، اما واضح‌ترین اون‌ها، تصویر مشخص فرد یا افراد هست که معمولاً بر روی توده‌ای از ابر اکتوپلاسمی (ماده‌ای که از یک موجود روحانی در حالت خلسه بیرون می‌ریزد) تشکیل میشه. این توده‌ی ابری و غباری می‌تونه (در عکس) تصاویر اطراف خودش رُ بپوشونه. برای اطلاعات بیشتر به سایت ghoststudy.com مراجعه کنین.

× در بخش پرسش‌های متداول پایگاه اطلاع‌رسانی حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای (<http://www.wilayah.ir/pr/estefat/porsesh/p19.php>) آمده است:

س: آیا احضار ارواح و جن جایز است؟

ج: احضار روح و جن اگر برای غرض عقلایی بوده و همراه با امر حرام یا مستلزم آن نباشد، اشکال ندارد.

× امام فخر رازی در تفسیر کبیر هشت روش برای سحر و جادو کردن بیان نموده که دو نمونه‌ی آن به روش‌های مذکور در این نوشته مربوط می‌باشد:

الف) جادویی که با قدرت و نیروی اراده انجام می‌گیرد: در این روش انسان با ریاضت‌های طولانی به تقویت فکر و اراده خویش می‌پردازد. سپس با نیروی اراده خود بر اشیای محیط اطراف خود اثر می‌گذارد و چیزهای خارق‌العاده را در برابر چشم بینندگان مجسم می‌کند.

ب) یاری جستن از ارواح زمینی: یعنی ساحر در سحر خود از شیطان و جن‌ها یاری می‌گیرد.

× کسی می‌تواند سحر انجام دهد که از ایمانش دست بکشد و چشم و گوش بسته مطیع شیطان و جن‌ها باشد و با انجام اعمال بد همیشه شیطان را از خود خشنود و راضی نگه دارد. از حضرت ابوهریره، روایت است که پیامبر فرمودند؛ از هفت چیز هلاک‌کننده دوری کنید :

۱- شرک کردن به خدا

۲- جادو کردن

۳- کشتن فردی که خداوند او را حرام نموده مگر به حق

۴- ربا خوردن

۵- خوردن مال یتیم

۶- فرار از میدان روز نبرد با کفار

۷- تهمت زدن به زنان مؤمن، پاک دامن و بی‌خبر.

چونکه ساحر ایمان به خدا را رها کرده و از جن‌ها استمداد می‌کند. وی به قدری منفور و مبعوض خداوند است که حتا کسی که پیش او می‌رود هم نمازش قبول نمی‌شود. پیامبر فرمودند: کسی که پیش منجم و فالگیر برود و درباره چیزی از او سوال کند تا چهل شبانه روز

نمازش قبول نمی‌شود. کسانی که ساحران را تصدیق می‌کنند و به گفتار و کردار آنها ایمان دارند به بهشت نمی‌روند.

در حدیثی دیگر است که اگر کسی سحر بکند یا پیش ساحر برود و از ساحر بخواهد که برایش سحر کند از امت پیامبر بیرون می‌شود.

آموختن سحر برای هر منظوری حرام است زیرا قرآن تعلیم سحر را مورد مذمت و نکوهش قرار داده است و فرموده که تحصیل آن هیچ گونه فایده و سودی نیست و آن‌ها قسمت‌هایی را فرا می‌گرفتند که برایشان (از لحاظ دنیا و آخرت) زیان داشته و بدیشان سودی نمی‌رساند.

اسلام و احضار ارواح

در سال ۱۸۴۸ میلادی تفکر احضار ارواح در امریکا انتشار یافت و از آنجا به قاره اروپا و بقیه جهان گسترش یافت. کتاب‌های زیادی در این زمینه تالیف شد و به صورت علمی مستقل درآمد و در دانشگاه‌ها تدریس می‌شد. معتقدان به این علم ادعا دارند که توسط این علم انسان قادر است که از عالم برزخ، ارواح را هر زمان که خواسته باشد احضار کند و با آن‌ها گفتگو نماید و از نحوه زندگی آن‌ها بپرسد و معتقدند که به دو صورت می‌شود با ارواح ارتباط برقرار کرد و آن‌ها را احضار نمود:

- ۱- روح در جسد فرد وسیط (مدیوم) حلول می‌کند.
- ۲- روح به صورت همان شخصی که این روح متعلق به او بوده است، متجسم می‌شود.

اما در کتاب الله (قرآن) و سنت رسول الله هیچ نوع مدرک و دلیلی که دال بر امکان احضار باشد نیست. هم‌چنین در کتاب الله و سنت اشاره نشده که با دعا، ورد، سحر و جادو و با آیات قرآن و یا به طریقه دیگری می‌توان روحی را احضار کرد یا آن را مطیع و فرمانبردار نمود. چیزی که شرعاً ثابت است این است که بعد از مرگ، روح وجود و بقا دارد و از بین نمی‌رود. زمانی که از بدن جدا می‌شود، در عالمی دیگر غیر از عالم دنیا که با آن مأنوس می‌گردد (به نام عالم برزخ) داخل می‌شود و تحت قوانینی جدید قرار می‌گیرد و امکان بازگشت آن به دنیا وجود ندارد. الله تبارک و تعالی می‌فرمایند: در پیش روی ایشان جهان برزخ است تا روزی که

برانگیخته می‌شوند. برزخ به معنی حایل و مانع است؛ یعنی در جلوی آن‌ها همچون حایل و مانعی است که آن‌ها را از رجوع به دنیا باز می‌دارد. در عالم برزخ روح فرد کافر، مشرک و گناهکار با انواع عذاب‌ها مواجه است. خداوند در مورد ارواح آل فرعون می‌فرماید: آتش دوزخ بامدادان و شامگاهان به آن‌ها عرضه می‌شود.

اما روح افراد مؤمن، صالح و نیکوکار در نعمت، رفاه و آسایش قرار دارد. «کسانی را که در راه خدا کشته می‌شوند، مرده مشمار، بلکه آنان زنده‌اند و بدیشان نزد پروردگارشان روزی داده می‌شود.» پس کسی که در قبر و عالم برزخ معذب است، چگونه می‌تواند از جلوی عذاب‌دهندگان فرار کند یا از آن‌ها اجازه بگیرد و به این دنیا بیاید و تقاضای احضارکنندگان را پاسخ بگوید و به سؤالات آن‌ها پاسخ دهد؟ یا کسی که در عالم برزخ مورد لطف و عنایات خداوند قرار گرفته چگونه نعمت‌ها را رها می‌کند تا به خواسته احضارکنندگان جواب مثبت بدهد؟

پس علم احضار ارواح که در جهان رایج است و معتقدند با آن می‌توانند بیماران را معالجه کنند و مشکلات دنیوی را حل کنند؛ بی اساس و باطل است و باعث تزلزل عقاید مردم می‌گردد و مردم را به سوی بی‌دینی سوق می‌دهد و آن‌ها را وسوسه می‌کند تا از مردگانی که صدها سال قبل مرده‌اند کمک و یاری بجویند. در حالی که در هر حال باید اعتقاد، یقین و توکل مردم به خداوند باشد که برطرف‌کننده‌ی تمامی مشکلات است. «هر کس بر خداوند توکل کند (و کار و بار خود را بدو واگذارد) خداوند او را کافی است.» کسانی که از خدا و قرآن روگردانی کنند و از قرآن هدایت و راهنمایی نگیرند گمراه می‌گردند و شیطان قرین آن‌ها می‌شود و شیطان بد همنشینش است «هر کس که از یاد خدا غافل و روگردان شود، اهریمنی همواره همدم وی می‌گردد (و گمراه و سرگشته‌اش می‌سازد).»

در قرآن آمده است که یهودی‌ها از پیامبر اکرم درباره‌ی ماهیت و حقیقت روح پرسیدند و قصدشان از این پرسش آزمودن پیامبر در حقانیت رسالتش بود، چنانکه آمده است: «از تو درباره روح می‌پرسند بگو: (بر حقیقت روح) تنها پروردگارم آگاه است. چرا که جز دانش اندکی به شما داده نشده است.» آنچه در این آیه مهم است اینکه درباره‌ی درک کنه و حقیقت روح علم و دانش انسان کم و محدود است. تا چه برسد که مدعی احضار روح باشد، یعنی کسی که نمی‌داند روح چیست، چگونه می‌تواند ادعای احضار آن را بکند؟ پس بدون تردید کسانی که مدعی احضار روح هستند و اشباحی را به نمایش می‌گذارند کاملاً سخنان و اعمال آنها فریب،

نیرنگ، چشم‌بندی و شعبده‌بازی است. دکتر ابراهیم ادهم درباره حقایق اشباحی که این افراد عرضه می‌کنند می‌فرماید:

۱- شبح و تصاویری که که احضارکنندگان روح به نمایش می‌گذارند، نوعی فریب و نیرنگ است. صور و اشباح آن‌ها یک تکه پارچه‌ی بافته شده نازک یا یک ماده نایلونی است که آن را داخل دهان یا بینی یا گوش یا لباس‌های خود مخفی کرده و با ترفندهای ماهرانه‌ای آن را بیرون می‌آورند.

۲- یا اینکه این اشباح و صور مواد شیمیایی هستند که وسیط (مدیوم) آن‌ها را به بدن خود مالیده است و این مواد از بدن او بخار می‌شوند و دوربر او را مانند دودی رقیق احاطه می‌کنند. برای تایید این سخن کسی که آنجا است اگر این شبح را دست بزند قادر به گرفتن آن نیست، چونکه این‌ها مواد شیمیایی هستند که از بدن او بخار شده‌اند همان‌گونه که نفتالین بخار می‌شود.

۳- بعید نیست که این صور و اشباح جن‌هایی باشند که در جلسه احضار روح مجسم و آشکار می‌شوند.

ParsBook.Org

پارس بوک، بزرگترین کتابخانه الکترونیکی فارسی زبان

ParsBook.Org



The Best Persian Book Library